

• دریافت ۹۷/۰۹/۱۸

• تأیید ۹۸/۰۵/۰۲

سایه خورشید (جریان‌شناسی تعاملات تاریخ و فرهنگ آناتولی با ادب فارسی از منظر بررسی روزگار و احوال و آثار مصلح‌الدین مصطفی سروری)

زهیر طیب *

علی محمد مؤذنی **

سید محمد منصور طباطبائی ***

چکیده

پیش از این هیچ مطالعه‌ی جامعی به زبان فارسی در مورد زندگی و احوال مصلح‌الدین سروری انجام نگرفته است، این در حالی است که ادب‌پژوهان با شروح او بر حافظ و سعدی آشنا هستند. بررسی تاریخ و وجوه شخصیتی ادیبان بزرگ «فارسی‌گوی غیر ایرانی» از جهت شناخت ابعاد فرهنگی و زبانی آن مرز و بوم و درک تعاملات آن با ادب فارسی، اهمیت بسزایی در پژوهش‌های ادبی فارسی دارد. این نوشتار با نگاهی به زندگی مصلح‌الدین مصطفی بن شعبان سروری گلیبولی دانشمند فارسی‌گوی تُرک تبار و نخستین شارح شناخته شده جامع شش دفتر مثنوی به زبان فارسی در جهان، پنجره‌ای به سرگذشت ادب فارسی در فلات آناتولی (ترکیه) در عهد حکمرانی سلطان سلیمان قانونی، مهم‌ترین پادشاه عثمانی می‌گشاید و از این رهگذر یافته‌های جدیدی در مورد آثار و شخصیت فارسی‌گویان تُرک و نیز گزارشی بدیع از ماجرای تاریخی مشهور خرم سلطان و شهزاده مصطفی از زاویه‌ای بدیع و جدید را ارائه می‌کند. هم‌زمان این مقاله در کار معرفی منابعی به زبان ترکی استانبولی است که از دسترس محققان فارسی‌زبان خارج بوده اما اطلاع از آن‌ها تحقیقات تاریخ ادبیات در این محدوده را غنا می‌بخشد.

کلید واژه‌ها:

مصلح‌الدین سروری، شارح مثنوی، مصطفی بن شعبان، گلیبولی، امپراتوری عثمانی، ترکیه.

* پسادکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) tayyeb@ut.ac.ir

** استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران moazzeni@ut.ac.ir

*** دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران mansoor@ut.ac.ir

مقدمه

حیات و آثار بزرگان ادب، سرمایه فرهنگی زبان و ادبیات است. به ویژه آن که موضوع پژوهش، شخصیتی فرامرزی و از تباری دیگر باشد. ارزنده تر آن که شخصیت و آثار ادبی او بر شناخت ما از قلم رفیع علم و ادب تأثیر جدی بگذارد و شناخت ما را نسبت به آن آثار بهبود بخشد. کهن ترین شرح جامع مثنوی شریف به زبان فارسی، شرح مثنوی سروری است؛ شخصیتی که این نوشتار به گزارش زندگی و آثار او می پردازد است. همین یک ویژگی کافی است تا شناخت او برای پژوهشگران تاریخ ادبیات و مثنوی پژوهان ضروری شود چه رسد به این که تشابهی شگرف بین زندگی او با مولانا وجود داشته و تاریخ و جغرافیای این دو ارحمند نیز مشترک باشد. در این صورت بررسی آراء و افکار چنین شخصیتی در واقع شناخت بهتر و دقیق تر آن دیگری است: شیوه‌ای که به آن «بازسازی آینه‌گون» می‌توان گفت. مصلح‌الدین مصطفای سروری از دانشمندان و ادبای برجسته قرن نهم و دهم هجری است. وی با ۲۵۰ سال فاصله از مولانا در آناتولی در منطقه‌ای به نام گلیبولی در نزدیکی استانبول در خانواده‌ای فرهنگ‌پرور و ثروتمند دیده به جهان گشود. وی در زندگی هفتادساله خود ده‌ها اثر به زبان فارسی و ترکی در زمینه ادبیات و علوم اسلامی به رشته تحریر کشید چنان که از شخصیت دیگری در این حوزه تمدنی، این میزان اثر به زبان فارسی گزارش نشده است. این نوشتار با نگاهی به آثار و زندگی این ادیب دانشمند، زوایای جدیدی از تاریخ ادبیات فارسی در عهد عثمانی را مورد کاوش قرار داده و یافته‌های نوینی را در دسترس پژوهشگران و خوانندگان قرار می‌دهد.

بیان مسئله

سروری کیست؟ شخصیت او در شعاع کدام محیط علمی و ادبی شکل گرفته است؟ استادان، هم‌درسان و شاگردان او چه کسانی بودند؟ نقش اجتماعی و فرهنگی وی در زمان حیات او چگونه ارزیابی می‌شود؟ رابطه او با قدرت و مشروعیت چگونه است؟ آثار علمی و ادبی او کدامند؟ تأثیر وی بر ادبیات چه بوده است؟ وجوه عرفانی شخصیت وی چیست؟ کوشش وی در شرح جامع مثنوی معنوی تا چه حد توفیق داشته و چه ابعاد ناشناخته‌ای را از این کتاب بزرگ گویا می‌کند؟ به این پرسش‌ها در نوشتار حاضر پاسخ خواهیم داد.

ضرورت و پیشینه پژوهش

زیربنای پژوهش تاریخ ادبیات، داده‌های برگرفته از گزارش‌ها و منابع تحقیقاتی است. این نوشتار با بهره‌گیری از منابع غیرفارسی (ترکی، عربی و انگلیسی) یافته‌های جدیدی در مورد شخصیت مصلح‌الدین سروری ارائه می‌دهد اما خود را بی‌نیاز از بازبینی مطالعات ارزشمند قبلی در این رابطه و تکمیل آن‌ها نمی‌داند. در زبان فارسی مقاله مستقلی در رابطه با شخصیت و آثار سروری دیده نشد و این، اهمیت یافته‌های مقاله حاضر را دوچندان می‌کند:

- اسماعیل گلچ گزارش مبسوطی از «زندگی و آثار سروری و نگاهی به فارسی‌گویان عثمانی» در نشریه پژوهش‌های عصر عثمانی (پژوهش‌نامه معارف عهد عثمانی - The journal of ottman Studies) شماره ۲۱ سال ۲۰۰۱ میلادی صفحات ۲۱۱ تا ۲۳۶ ارائه داده است که هرچند بعد توصیفی آن قدرتمند است اما زاویه تحلیلی آن فروگذاشته شده است.

- محمد طاهری بورسوی در تذکره بیانی در شرح حال مؤلفین عثمانی که نسخه خطی آن در کتابخانه دانشگاه استانبول به شماره TY2568 موجود است و استانبول، ۱۳۳۳ م. به چاپ رسیده است در برگ 40b، (جلد ۲، ص ۲۲۶) درباره «زندگانی سروری» گزارش داده است.

- نجیب مایل هروی در نشریه آریانا، شماره ۱۹۲ خرداد و تیر ۱۳۵۰، صفحات ۱۹ تا ۲۴ «گزارشی از سیر تاریخی و شروح کهن مثنوی به زبان فارسی» ارائه داده است که در این گزارش نخستین شرح مثنوی معرفی شده فارسی، شرح مثنوی سروری است.

- مرادی، ابوالفضل؛ یلماز، قدریه در مقاله تأثیر سعدی شیرازی بر ادبیات تعلیمی ترکیه در نشریه میراث شهاب، تابستان و پاییز ۱۳۹۱ - شماره ۶۸ و ۶۹ صص ۱۶۸-۱۳۵ در جهت تبیین رابطه سعدی و سروری از احوال او و برخی دیگر از ترکان پارسی گوی سخن گفته است.

- سعید عابدیور در مقاله «مثنوی‌خوانی در بوسنی هرزگوین» در نشریه اطلاعات حکمت و معرفت، شهریور ۸۸ شماره ۴۲ صص ۴۰-۴۰ در رابطه با شرح مثنوی سروری و رابطه ترکان با زبان فارسی و مثنوی مولانا، بررسی‌های درخوری انجام داده است.

- راضیه یوسفی نیا در مقاله نگاهی به فهرست‌های تازه منتشر شده کتابخانه غازی خسرو بیک که در کتاب ماه کلیات، مرداد و شهریور ۸۴ شماره‌های ۹۲ و ۹۳، صص ۵۳-۵۰ منتشر شده به معرفی سه نسخه خطی از آثار سروری پرداخته است.

این تلاش‌ها همگی در جهت شناخت ابعاد گوناگون شخصیت و آثار مصلح‌الدین سروری قابل بررسی هستند اما این مقاله بررسی‌های کوتاه مندرج در آن‌ها را بسیار گسترش داده و منظم کرده است.

یافته‌ها

نام و نشان

سروری (لطیفی قسطنونی: ۱۳۱۴، ۱۸۶) از دانشمندان علم بلاغت، تفسیر و حدیث در قرن پانزدهم میلادی (۱۴۹۱ م - ۸۹۷ ه) است. در منابع کهن نام کامل وی «مصلح‌الدین مصطفی بن شعبان الگلیبوی الرومی السُروری» ذکر شده است. نامش مصطفی و لقبش مصلح‌الدین و نام پدرش شعبان بوده و به منطقه گلیبولی و روم نسبت داده شده است. تخلص شعری وی در اشعارش همان «سُروری» است. بورسوی گفته شاید این تخلص بی‌ارتباط با این دوره زندگی او نباشد، چنان که به شهادت این بیت (محمد طاهری بورسوی: ۱۳۳۳، ۲/۲۲۶)، پیش و پس از آن با اندوه، توأم بوده است.

دیدى لَر تأثیری وار ایسمین موسمادا ولی
(گفتند نهادن اسم بر روی مسمای آن اثر می‌گذارد.)
ای سُروری گُرم‌دوم عالم دِهاندان اولدون
(ای سروری! ندیدم که در جهان تو خندان شده باشی.)

ولادت

۱. زمان ولادت

به اتفاق منابع تراجم وی به سال ۸۹۷ هجری قمری / ۱۴۹۱ میلادی چشم به دنیا گشود. (فاقق رشاد: ۱۳۱۲، ۲۶، مدخل ۶۰)

۲. مکان ولادت

مسقط الرأس وی منطقه‌ای به نام گلیبولی یا گلیبولو^۱ از نواحی شهر چاناک کاله در جنوب استانبول است. به جهت این که وی، زاده و پرورده سرزمین آناتولی است او را نیز چون مولانا، «رومی» خوانده‌اند. (اسماعیل پاشا بغدادی: ۱۹۵۵، ۲/۴۳۴)

کودکی و نوجوانی

۱. خانواده

خانواده سروری به‌ویژه پدرش به خاطر علاقه خاصش به اهل علم و فضل، برای تعلیم و تربیت پسر دردانه‌اش از صرف مال دریغ نمی‌کرد. (علی بن بالی: ۳۴۳) در گزارشی تاریخی می‌خوانیم که وقتی سروری کتاب کافیه^۲ را از بر کرده بود، پدرش او و استادش را غرق در

هدایای خود کرده بود. (نوایی زاده عطایی: ۱۹۸۹، ص ۲۳) هرگاه سروری دست به نگارش اثری می‌برد، هرچند اثری معمولی و نه‌چندان خاص، پدرش برای وی پاداشی تعیین می‌کرده است. (فائق رشاد، همان اثر، ص ۲۷)

۲. پدر

پدر سروری، «حُجا (خواجه) شعبان» از تجار بازار مرکزی شهر بوده (مصطفی ایسن: ۱۹۸۴، ۲۲۹-۲۳۱) و از ثروت هنگفتی برخوردار بوده است. (حسن چلبی کناله زاده: ۱۹۷۸، ۴۵۷ و شمس‌الدین سامی: ۱۳۱۱، ۴/۲۵۵۸) خواجه شعبان، کار دولتی هم انجام می‌داده و در دوره سلطان بایزید دوم که شاهزاده آماسیه^۳ بود به عنوان دفتردار شاهزاده، در خدمت او بوده است. (سهی بیگ: ۱۹۷۸، 45b)

۳. تحصیلات

وی از برخی از افاضل هم‌عصر خود اجازه روایت دریافت نموده و در درس آن‌ها شرکت داشته است که پس از این دو وحله، عنوان «ملازم» (مدحت صرت اوغلو: ۱۹۸۶، ۲۳۲) یعنی کسی که دوره تعلیماتی مدارس قدیمه را با موفقیت سپری کرده است را یافته است. (نوایی زاده عطایی، همان اثر، ۲۴) برخی از این علما عبارتند از: قادری (علی بن بالی، همان جا)، نهالی، جعفر چلبی و در بروسه، محضر قره داود افندی، قادر افندی مدرسین مدرسه قاسم پاشا و در استانبول، مصطفی افندی طاش کوپری‌زاده (کارل بروکلیمان: ۱۹۴۹، ۲/۵۷۹) و عبدالواسع افندی را درک کرده، علاوه بر این مدارج تحصیلی را در مدرسه علمیه محی‌الدین فناری زاده افندی این شهر، به پایان رسانده و از وی نیز برای ملازم شدن، اجازه دریافت نموده است.

جوانی

۱. نقش‌پذیری اجتماعی

سروری، زندگی کاری خود را در ۲۹ سالگی یعنی دیرتر از هم سن و سالانش شروع کرد. او احتمالاً به دلیل رفاه خانوادگی‌اش، تمایلی به پیدا کردن کار و کسب درآمد در اوایل عمر خود نداشته است. با این وصف نخستین کاری که سروری انجام داده است تحت عنوان «نایب باب محکمه» در تاریخ ذکر شده است. وی در سال ۱۵۲۰ میلادی / ۹۲۷ هجری قمری، زمانی که محی‌الدین افندی فناری زاده، متصدی منصب قضاوت در ولایت استانبول بود، با حکم وی به عنوان «نایب دیوان محاکمات استانبول» که به تازگی افتتاح شده بود، منصوب شد. (فائق رشاد، همان اثر، ۲۷) در

آن زمان نایبان باب، به صورت پاره‌وقت به حجم بالای مراجعات و محاکمات قاضی استانبول به نمایندگی از وی رسیدگی کرده و نسبت به پرونده‌هایی که به آن‌ها ارجاع می‌شد، اتخاذ تصمیم قضایی و صدور رأی می‌نمودند. (محمد ایپشرلی، ۵/۳۶۲) سروری طلبه‌ای بود که تا این تاریخ توانسته بود به شایستگی، اعتماد استادش فناری زاده را برای کسب چنین منصب با اهمیت که به آبرو و حیثیت قاضی شهر پیوند خورده بود، به دست آورد. وی پس از این که دو سال در سمت نیابت قاضی استانبول به منصب قضا نشست، با انتقال فناری زاده در سال ۱۵۲۲ میلادی، ۹۲۹ قمری به سمت نایب باب قاضی عسگر آناتولی (قاضی نیروهای مسلح) منصوب شد و مسؤولیت ابلاغ احکام رسمی قاضی عسگر را به دوایر دولتی با عنوان اداری «تذکره چی»، برعهده گرفت (محمد زکی پاک آلین: ۱۹۴۶، ۲/۶۱۱) این وظیفه برای او بخت‌آور نبود چرا که وی یکبار بدون سوء نیت، بخشی از اطلاعات محرمانه‌ای را که به وی امانت سپرده شده بود به پسر استاد قدیمی‌اش عبدالواسع افندی که وی نیز در دیوان صدارت مشغول به کار بود، بازگو کرد و به این سبب، قاضی عسگر، وی را به بی‌کفایتی متهم کرد (نویسی زاده عطایی: ۱۹۸۹، ۲۴) سروری بر اثر این توییح تا پایان عمر از امور اجرائی و دیوانی کناره گرفت.

۲. طریق معرفت

سروری پس از کناره‌گیری از فعالیت‌های قضایی (وظایف عملیه) از شیخ زاویه نقش‌بندی، محمود افندی و دامادش، امیر بُخاری، کنج انابتی گرفت و از سوی ایشان، به منصب درویشی مفتخر شد. (محمد ثریا: ۱۳۱۱ ۳/۱۲ - محمد عارف: ۱۳۱۴، ۵۴۰) وی کمی بعد به سفر حج مشرف شد. (فائق رشاد: ۱۳۱۲، ۲۷) هنگامی که سروری از سفر روحانی حج بازگشت سفری که در دوره سروری با مشقت و خطر بالای جانی و مالی همراه بوده و به صورت زمینی انجام می‌شد، بار دیگر فناری زاده، به او روی نمود و از وی مشورت‌هایی می‌گرفت. عاشق چلبی حکایت اعراض سروری از جاه و جلال دنیوی را در کتابش با سجع بیان می‌کند و می‌گوید: آنگاه که سروری پا در راه سلوک گذاشت، از همه شئون دنیوی خویش دست کشید. (عاشق چلبی: ۱۹۷۱، 153a)

حیات فکری

۱. حیات علمی و معرفتی

سروری در بخشی از عمر خود که مقارن با سال ۱۵۲۳ میلادی / ۹۳۰ قمری بود، در

مدرسه ساره‌جا پاشا در گلیبولی (یکی از قُرای اطراف استانبول) به جای مُحَسّی «سنان افندی» که پیش از او مدرّس این مدرسه بود، منصب تدریس یافت. وی در آنجا بیست آقچه (آقچه با تلفظ ترکی به معنی سکه رایج زر و نقره) حق التدریس دریافت می‌کرده است. (علی بن بالی: ۱۹۷۵، ص ۳۴۳) در سال‌های ۱۵۲۶ تا ۱۵۲۷ میلادی مقارن ۹۳۳ قمری، جمال افندی که شیخ «زاویه پیری پاشا» بود دار فانی را وداع گفت. پس از فوت وی، صاحب این موقوفه همچنان زنده بود و این زاویه را به صورت مدرسه، تجدید وقف نمود. در این اثنا سروری با حق التدریس ۲۵ آقچه، مدرّس رتبه نخست (مقدماتی) این مدرسه شد. (نوابی زاده عطایی: ۱۹۸۹، ۲۴) وی سپس در همین مدرسه به رتبه اربعین یا چهل (رتبه استاد ممتاز) با ۴۰ آقچه حقوق رسید و هم‌زمان در همین زاویه، سجاده نشین گوشه ذکر و دعا شد. وی بعد از ۱۱ سال تدریس در این مدرسه در سال ۱۵۳۸ میلادی / ۹۴۴ قمری در منطقه گالاتای (قلعه) استانبول در مدرسه قاسم پاشا با ۵۰ آقچه به عنوان مدرّس اول این مدرسه استخدام شد. (فائق رشاد: ۱۳۱۲، ۲۸) وی به مدت ۱۰ سال به علوم ظاهری و باطنی مشغول بود (عاشق چلبی، همان اثر، 153b) تا این که در سال ۱۵۴۷ میلادی / ۹۵۴ قمری، محی‌الدین افندی فناری زاده، دار فانی را وداع گفت و سروری را به این سبب، غمی بزرگ فرا گرفت؛ آنچنان که از کُرسی تدریس استعفا کرد و عبداللطیف افندی، داماد شیخ زاویه امیربخاری، یعنی محمود افندی نقشبندی، وی را به درویشی و سلوک، مفتخر نمود. (ریاضی، 141b)

۲. حیات سیاسی اجتماعی

در سال ۱۵۴۸ میلادی (۹۵۵ قمری) سروری کاخ سلطان سلیمان را به قصد وان^۴ ترک کرد، اما در سال ۹۵۳ قمری / ۱۵۴۶ میلادی با وفات خیرالدین خضیر افندی که معلم شهزاده مصطفی بود، جایگاه استادی شهزاده خالی شد (حسین حسام الدین: ۱۹۲۷، ۳/۳۰۶) پس سلطان سلیمان، سروری را با خط همایون خود کتباً دعوت کرد تا سیمت استادی شهزاده مصطفی را برعهده گیرد. (عاشق چلبی، همان اثر، ۶۴) دلایل این دعوت را به طور خلاصه می‌توان چنین برشمرد:

الف. در سفر سلطان سلیمان قانونی به عراقین، سروری بر اثر واقعه‌ای با «غباری» (شیخ

نقشبندیّه و شاعر و خطاط عصر عثمانی - وفات ۱۵۶۶ میلادی/ ۹۷۴ قمری) آشنا شد. ارتباطی که بعدها موجب اتصال سروری به دربار عثمانی گردید.

ب. احترام فراوان قاسم پاشای وزیر به سروری به سبب فضل علمی و ساده زیستی وی

ج. جایگاه ویژه سروری در بین متصوّفه آناتولی

د. سابقه درازمدت تدریس وی در شهر استانبول که او را در این رابطه زبانزد خاص و عام کرده بود.

هـ. مردم‌داری سروری که از وی شخصیتی مقبول عالم ساخته بود.

وقتی سروری، دعوت سلیمان قانونی را لبیک گفت، زبان‌ها به انتقاد از وی گشوده شد چراکه صوفیان بر این باور بودند که وقتی کسی ردای درویشی بر تن کشید دیگر نباید مناصب حکومتی و درباری را بپذیرد. چیزی که دوست سروری، «عاشق چلبی» به وی متذکر شد و البته سروری توصیه وی را از این گوش گرفت و از آن گوش به در کرد و خود را به شهر قره‌مان نزد شهزاده رسانید. (عاشق چلبی، همان اثر، 153b) کِناله زاده هم به طعنه این اقدام سروری را چنین روایت کرده است: وی (سروری) سلطان عالم بود، خود را بنده کرد. (حسن چلبی کِناله‌زاده، همان اثر، ۴۵۹) «غباری» هم زبان به انتقاد سروری گشوده و نامه‌ای مشتمل بر این ابیات به وی نوشت:

ای سِدره نشینِ عرشِ پرواز وی طایرِ قُدسِ عالمِ راز (الی آخر)

غباری در این چکامه، سروری را سرزنش کرده که چرا این وظیفه را قبول می‌کند و به وی ایراد گرفته و این کار سروری را عیب دانسته است. ولی سرنوشت، این بود که «غباری» که به «سروری» از بابت پذیرش منصب استادی شهزاده مصطفی انتقاد کرد، خود کمی بعد، منصب تعلیم شهزاده اورهان، پسر سلطان بایزید را پذیرا شود و آنچه را عیب می‌دانست، خود مرتکب شود. (مصطفی ایسن، همان اثر، ۲۴۷)

۳. حوادث و نوائب

چاگاتای اولوچای، نویسنده ترک می‌نویسد: با ملاحظه قصیده طولانی‌ای که «کوچوک مصطفی افندی» و یا همان «مصطفی سروری» در رثای شهزاده مصطفی سروده است، می‌توان نقاب از چهره فتنه‌ای که خرم سلطان در ۲۱ صفر ۹۴۸ قمری / ۱۵۴۱ میلادی طرّاحی کرد بازگشود. در این فتنه شهزاده مصطفی از مانیسا به آماسیه که سنجق سلطنتی بوده فرستاده شد. برداشت و ناراحتی مضاعف سروری را از این رخداد در لابه‌لای عبارات این قصیده می‌توان

مشاهده کرد؛ فتنه‌ای که به بهای جان شهزاده جوان تمام شد. (چاگاتای اولوچای: ۱۹۵۷، ۸/۶۹۱ و زکی عالیکان: ۱۹۹۰، ۱۰/۱۰۳) فریدون امه جن، دیگر نویسنده تُرک با مطالعه «سجلّ های شرعیّه منیسا» می‌گوید: با وقوع این حادثه، سروری بسیار برآشفّت و ناراحت شد و برای آن یک قصیده سرود. (فریدون امه جان: ۱۹۸۹، ۳۳ پاورقی ۱۲۴) اما در برابر این دو نظریه، یک فرض دیگر هم وجود دارد که این قصیده را اصیل و از آن سروری نمی‌داند. دلایل ارائه‌دهندگان این نظریه چنین است:

الف. شهزاده مصطفی بین سال‌های ۱۵۳۳ و ۱۵۴۱ میلادی در مانیسا بوده است.

ب. در این محدوده تاریخی، سروری در مدارس قاسم پاشا و پیری پاشا به تدریس اشتغال داشته است.

ج. احتمال کمی می‌رود که در سال ۱۹۴۶ میلادی یا ۹۵۵ قمری یعنی هفت سال بعد از انتصاب وی به استادی شهزاده، سروری این قصیده را سروده باشد.

بنابراین نظریه احتمالاً نویسنده این قصیده «کوچوک مصطفی چلبی» بوده (هالوک ایبکتان: ۱۹۹۶، ۱۹۲) که موقعی که شهزاده از مانیسا به آماسیه می‌رفته، وی را در این سفر همراهی می‌نموده است.

شهزاده مصطفی، بزرگ‌ترین پسر سلطان سلیمان قانونی و ولی عهد وی بود که سروری برای تعلیم وی استخدام و تعیین شده بود. وی فردی علم‌دوست، شاعر و شجاع بود. مردم، سربازان و اطرافیان، وی را به سبب خصائل نیکی که داشت دوست می‌داشتند. شهزاده به علم و ادب، بسیار اهمیت می‌داد و همواره دانشمندان و اهل فضل را در مجاورت خود گرد می‌آورد. سروری هم نظر به این قابلیت‌های شهزاده وی را تحت تعلیم ادبیات قرار داد (امین، همان اثر، ۲۱۰) و با هدف آموختن بهتر ادبیات توسط شهزاده، شرح آثار ادبای فارسی و عربی زبان را در قالب چند اثر به رشته تحریر درآورد. سروری می‌خواست از سلطان آینده، فردی وظیفه‌شناس، عادل، کشور دوست و مردم‌دار بسازد و از همین رو کتاب ذخیره الملوک از علی بن شهاب الدین بن علی همدانی (متوفای ۷۸۶ قمری یا ۱۳۸۴ میلادی) را به نام او در دو ماه ترجمه کرد. (محمد علی عینی: ۱۹۹۳، ۲/۱۹۸).^۵ شرح گلستانی که سروری در آماسیه آن را به پایان رساند نیز در سال ۹۵۸ قمری به شهزاده پیشکش شده است. (حسین حسام‌الدین، همان اثر، ۳۰۸) کتاب بحرالمعارف، اثر دیگری است که سروری آن را به شهزاده محمد تقدیم کرده است. این کتابی است که سده‌های متمادی در مدارس علمیه به طالبان علم تدریس می‌شده است. سروری در

دیباچه بحر المعارف در وصف شهزاده محمد آورده است:

«شهزاده جوان بخت و پر عقل، سزاوار تاج و تخت و اهل فضل، جامع‌العلوم و المعارف، حاوی
الفنون و العوارف، زبده نسل السلاطین، عمده سلاله الخواقین

رباعی

أَلْ كِی وَصْفِیْنَدَارِ دِیْنِیْرِمِیْشِ، صَاحِبِ صَدَقِ وَ صَفَا
فَخْرِ أَصْحَابِ هُدَا، هَمْنَامِ فَخْرِ أَنْبِیَا
أَلْ اِبْوَبَكْرِ كَرَمِ، فَارَوْقِ حَقِّ، عُثْمَانَ حِیَا
أَلْ عَلِی سِیْرَتِ، وَ لَایِیْتِ اَهْلِ سَلْطَنِ مِصْطَفَا

به آستانه سعادت و دعوت و خدمت و عبودیت، مشرف؛ و ذات شریفش، جمع کمالات را
کامل و طبع لطیفش جمله فنون را شامل است.» (سُروری، بحر المعارف، 1b و 2a).

چنان‌که از فحوای این رباعی برمی‌آید، سُروری، صمیمی‌ترین دوست شهزاده محمد و رازدار
وی بوده است. گزارشی تاریخی در دست داریم که شهزاده محمد حتی در ۱۹ محرم ۹۵۸
قمری، آنگاه که روستاییان همجوار مرز عثمانی، در رثای فرزند پیامبر اسلام (ص) امام حسین
(ع) عزاداری می‌کرده‌اند، به آنان اقتفا نموده است. سُروری در همان ۱۹ محرم اثری غمبار با
عنوان «فریاد نامه» با همین مضمون به رشته تحریر درآورده است. (حسین حسام‌الدین، همان
اثر، ۳۰۸) قبل از آن که شهزاده محمد در آماسیه به قتل برسد، استادش سُروری همیشه به وی
در انجام امور مهم کمک می‌کرد و وی را در فراگیری شعر و ادب فارسی با خوانش و شرح
دیوان شعرای فارسی و ترک زبان از قبیل سنایی غزنوی، کارا فاضله، زاری، زمانی ادرنوی و
آدایی، یاری می‌کرد. (هالوک ایپکتان، همان اثر، ۱۷۹)

در تاریخ ۲۵ شوال ۹۶۰ قمری مصادف با ۴ اِکِیْم (اُکْتُیْبِر) ۱۵۵۳ میلادی (زکی عاریکان، همان
مقاله، ۱۲۷) با فتنه «مهرماه» و رستم پاشا، شوهر او و خرم سلطان، مادرش، در منطقه اربلی شهر
قره‌مان (شهری مجاور قونیه) به فرمان سلطان سلیمان قانونی، قتل شهزاده محمد رقم خورد^۷ و
شهزاده به سعایت اینان، به خون خود نشست. بنا بر نقل تاریخی، قرار بود شهزاده محمد در اتاق
همایونی کاخ وارد شود و برای وی هدایا و پول زیادی فراهم شده بود. سونوللا، لله شهزاده محمد،
دفتردارش حمزه بی و استادش سُروری آفندی، هم قرار بود از سوی پادشاه مورد تفقد واقع شوند و
به آنان هدایایی از جمله خلعت داده شود. ولی پس از قتل شهزاده، هدایایی که بنا بود به وی و
هیئت همراهش عطا شود به خزانه دولت بازگشت. (نجات گویونج: ۱۹۹۰، ۱۰/۲۳) سُروری، در

ماتم شهزاده مصطفی به اندوهی عمیق و انزوایی طولانی رفت و برای دومین بار در عمرش، کُنْجِ غَزَلت گرفت. (محمد عارف، همان جا) مردم و سربازان از فرط علاقه به شهزاده، در ماتم قتل او اندوهگین شدند و از خود واکنش‌های عاطفی بسیاری نشان دادند و مرثیه‌ها برای این سوگ سروده شد. (م. روحی یلماز: ۱۹۸۲، ۵۶-۵۱ و مصطفی ایسن: ۱۹۸۴، ۳۲ و محمد چاووش اوغلو: ۱۹۷۸، ۹/۴۰۷ و احمد آتیلا شن تورک: ۱۹۹۸) این عالِمِ پیر (سُروری) خسته از جهان پرفریب و پُربازی سیاست و قُدرت و حکمرانی، پس از قتل شهزاده محمد و تا زمان وفاتش، در انزوا، روزگار سپری کرد. (فاتح رشاد، همان اثر، ۲۹) وی در این مدت، ترجمه کتاب العجائب و الغرائب را که در زمان حیات شاهزاده به جهت پیشکش به او آغاز کرده بود اما به جهت قتل شهزاده نیمه‌کاره رها شده بود را به پایان بُرد. خواننده با مطالعه این ترجمه می‌تواند میزان علاقه قلبی سُروری را به شهزاده از خلال عبارات کتاب دریابد و سُروری با این اقدام، وفاداری خود را به شاگرد و شهریار برومند و جوان، شهزاده محمد، برای همیشه در تاریخ ثبت و ضبط کرد. (عمر فاروق آکون، همان جا)

۴. انزوا

در چهل سالگی (ابن لالی: ۱۹۷۵، ۳۴۳) پس از قتل شهزاده و بر اثر واکنش‌های شدیدی که سُروری در برابر این اقدام پادشاه از خود بروز داد، دولتیان از او ناراضی شدند و حقوق دیوانی او را در سال‌های پایانی عمرش قطع شد و سُروری تا پایان عمر فقط از راه کتابت و تدریس، روزگار گذراند. البته وی تا پایان عمر از حمایت‌های مادی دربانوران ترک نیز که او را بسیار دوست می‌داشتند بهره‌مند بود. (کارل بروکلمان، همان جا - علی بن بالی، همان اثر، ۳۴۴) و ده سال پس از انزوا در پنجاه‌سالگی (ابن لالی: ۱۹۷۵، ۳۴۳) در استانبول در مسجدی که خود، مؤسس آن بود و نه سال را تا پایان عمر شریفش به آبادی آن کوشید و هم‌زمان در آن به تدریس و تألیف مشغول بود، روزگار گذراند. (حسن چلبی کناله زاده، همان اثر، ۴۵۷)

۵. بازگشت دوباره

پس از این که سُروری دست از امور دنیوی کشید، «گوزلجه قاسم پاشا» که در جزیره مُرا^۱ منصب پرچمداری (سَنَجَقِ بَی) داشت، نامه‌ای به وی نوشت تا او را از این کناره‌گیری منصرف کند. وی به سُروری نوشت: «آن مدرسه‌ای که به ما به افتخار شما بنا کردیم، اگر مقبول نیفتد (که بدان بازگردید) فرمان می‌دهیم تا ویرانش کنند. تحمّل دیدن بیگانه‌ای در جایگاه شما برای ما قابل ممکن نیست.» (نویسی زاده عطایی: ۱۹۸۹، ۲۴) سُروری با وصول این نامه و در برابر

اصرار شدید قاسم پاشا پذیرفت که با حفظ جامعه درویشی، روزهای مشخصی از هفته در مدرسه بر کرسی تدریس بنشینند و در روزهای جمعه و بعدازظهرها در مسجد قاسم پاشا «مثنوی خوانی» کند، اصطلاحی که برای تدریس متن و شرح مثنوی مولوی در آن روزگار به کار می‌رفت. (عاشق چلبی، همان اثر، 153b) علت این که قاسم پاشا این قدر بر ادامه کرسی تدریس سروری تأکید داشت این بود که سروری یگانه استاد درویش زمان خویش بود و عموم مردم و شاگردانش او را عاشقانه دوست می‌داشتند. احتمال دیگری هم که بر این امر می‌رود آن است که قاسم پاشا، به قرینه این که در گلیبولی دفن شده است، (محمد ثریا: ۱۳۱۱، ۴۷-۹/۴۶) همشهری سروری بوده باشد. (سروری هم اهل گلیبولی است.) سروری هنگامی که این وظیفه را انجام می‌داد، همه داروندار خود را فروخت (حسن چلبی کناله زاده، همان اثر، ۴۵۸) تا مسجد جامعی در نزدیکی خانه‌اش به نام او بنا کنند و در آن به تعلیم و عبادت مشغول شود و آن هنگام چنین گفت: «عیسی گونه هر که مجرد گردد، قطع علایق و عوایق بر او آسان گردد.» و مدتی بعد دوباره به سفر روحانی حج، مشرف گردید. (عاشق چلبی، همان جا و فائق رشاد، همان اثر، ۲۹) این، حکایت نخستین انزوای سروری بود. (امین، مناقب کدخدازاده: ۱۳۰۵، ۲۱۰)

۶. چهره علمی و ادبی

در منابع تاریخی از سروری چنین توصیف می‌شود که وی فردی فاضل، پخته، صاحب تجربه و متبحر بوده است. وی در حوزه شعر و بلاغت، فرد اول روزگار خود بوده و در عین حال فردی خوش‌بیان و شیرین‌زبان عنوان شده است. شعر سروری در مقایسه با معاصران او، در حد متوسط ارزیابی می‌شود. (محمد طاهر بورسوی، همان اثر، ۲۲۶) حوزه‌هایی که سروری در آن‌ها دست به تألیف و تصنیف زده عبارتند از: تفسیر، حدیث، فقه، نجوم، منطق، طب و ادبیات. سروری خود در جایی درباره این کثرت آثار می‌گوید: (این بنده) تألیفات و آثار بسیار و وافری در علوم دینی و معارف یقینی دارد. (سروری، همان اثر، 131b) وی عربی را به عنوان زبان علمی برای تألیف آثار تعلیمی خود برگزیده و از فارسی برای آثار ادبی‌اش بهره برده و در زمانی که استاد شهزاده بود با نگارش آثاری به زبان فارسی در صدد اثبات شایستگی این منصب تعلیماتی مهم برآمده بود. سروری مشهورترین و پر اثرترین شارح دوران سلطان سلیمان قانونی است (عامل چلبی اوغلو: ۱۹۹۴، ۱۱۷) که بین مردم و دانشمندان هم‌عصرش، به عنوان عالمی بزرگ شناخته شده بود. (اولیا چلبی، همان جا) کناله زاده البته نظر دیگری دارد و آثار فارسی وی را نشان‌دهنده ضعف سروری در شناخت دقائق، نکات، ضرب‌المثل‌ها و کاربردهای واژگان فارسی

در شعر و نثر برشمرده و می‌گوید: در شرح لغات فارسی وی، ضعف عمومی دانش زبانش هویداست. (حسن چلبی کناله زاده، همان اثر، ۴۶۰) شمس‌الدین سامی می‌گوید: از آنجا که سروری بر برخی غوامض و پیچیدگی‌های زبان فارسی واقف نبود، خطاهایی در فهم متون ادبی فارسی داشته است. (شمس‌الدین سامی، همان‌جا) محمد طاهر بوسوی نیز گفته است: آن دسته از آثار سروری که به زبان فارسی نوشته شده، شروح واضح و روشنی ندارد و وی نتوانسته نکات ادبی را برای خواننده توضیح دهد. (محمد طاهر بوسوی، همان اثر، ۲۲۵) سودی بوسوی شارح نیز در شرح‌های خود بر بوستان و گلستان، برخی از نظرات سروری را در شرح‌هایی که به این دو اثر نوشته است، رد می‌کند. (سودی بوسوی: ۱۳۴۹ و شرح دیوان حافظ: ۱۲۸۸). سروری عالمی است که در دوران حیاتش، دیوان شعرای دیگر را می‌خوانده و در قالب «ذیل‌سرای» به شعر آن‌ها پاسخ می‌گفته است. وی ادیبی بود که تحت تأثیر این نفوذ آثار مهم ادب فارسی را شرح و ترجمه کرده و هم برای آشنایی ترک‌زبانان، فرهنگ لغت و کتاب آموزش دستور زبان فارسی نگاشته است. (محمت فؤاد کوپولو (آردیناریوس): ۱۹۸۶، ۳۸۲) وی جدا از وظیفه تدریسی که در مسجد جنب خانه محقرش داشت، برای طلاب در منزل خود نیز درس می‌گفت.

۷. وجوه اخلاقی و طریقت سروری

عفت، پاکدامنی، پایمردی، مردانگی، مروّت و والایی شخصیتی سروری در منابع تاریخی به کرات یاد شده است. (عامل چلبی اوغلو: ۱۹۹۴، ۱۱۷) سروری در علوم دینی مذهبی فردی بسیار دانا بوده است. (لطیفی قسطنونوی، همان اثر، ص ۱۸۷) سروری از چنان شخصیتی برخوردار بود که در زمان حیاتش محله‌ای که وی در آن زندگی می‌کرد را به نام او کرده و اطرافیانش وی را «ولی» می‌خواندند. قبر وی سالیان دراز، زیارتگاه مردم بوده و هست. وی فردی مقبول‌العام بوده، همگان دوستش داشته‌اند و همگان بر نیک‌مردی او گواهی می‌دادند. (محمدعلی عینی، همان اثر، ۱۹۷) وی از دومین نسل از دراویش تکیه نقشبندیه استانبول که در دوران او به تازگی تشکیل شده بود، به شمار می‌رود. شیخ امیر بوهاری (بخاری) نخستین کسی بود که طریقت نقشبندیه را به استانبول آورد. وی نخستین بار وی تکیه نقشبندیه را در «فاتح‌مالتا» در دوره بایزید دوم ایجاد کرده بود. سپس قبل از استانبول در «ایرنه کاپو» در «ایوان سرای» چنین تکیه‌ای باز شده بود. پس از وفات شیخ امیر بوهاری، داماد او شیخ محمود افندی، شیخ طریقت شد. (مصطفی کارا: ۱۹۹۴، ۱۲۵-۱۱/۱۲۶) سروری نیز از محمود افندی، انابه (جواز درویشی) گرفته است. سروری که عمر خود را یکسره وقف علم‌اندوزی و دانش‌پراکنی و تألیف آثار

گران قدر نمود، هیچ‌گاه ازدواج نکرد. (عاشق چلبی، همان اثر، 153a - علی بن بالی، همان اثر، ۳۴۴) سروری فردی بسیار دست و دلباز بود و به طلابی که به منزل او برای تحصیل علوم می‌آمدند، غذا می‌داد و از همین روی نقل است که خانه سروری هیچ‌گاه از مهمان خالی نبوده است. (عاشق چلبی، همان اثر، 153b) وی فردی بخشنده، خوش‌منظر و خوش‌پوش، دوستدار علم‌آموزی و عاشق تألیف و تصنیف بود. (فائق رشاد، همان اثر، ص ۲۹)

۸. معاصرین

وی مطابق با تراجم تاریخی از محضر طاش‌کوپری زاده و قادری و محی‌الدین فناری و بهره برده و در معرض تعلیمات باطنی شیخ محمود نقشبندی قرار گرفته (ابن لالی: ۱۹۷۵، ۳۴۳) و در طی سال‌های انزوای پس از قتل شهزاده، گلیبولولو علی که تاریخدان و همشهری سروری بود، نیز طلبه مجلس درس وی شد. (مصطفی ایسن، همان‌جا)

کتاب‌شناسی

انگیزه نگارش آثار سروری درخواست این سه گروه است:

- یاران محرمش در آثار او به زبان ترکی

- طلاب مدرسی‌اش در آثار او به زبان عربی

- دوستان محفل ادبی‌اش در آثار او به زبان فارسی

می‌دانیم که تمام آثار سروری در کتابخانه‌ای که در منزل وی جنب مسجد و مدرسه‌اش قرار داشته، وجود داشته است (حافظ حسین ایوانسرای، همان اثر) اما به دیگر آثار سروری که در فهرست‌های کتابخانه‌ها ذکر شده باشد برنخورده‌اند. (م. سیف‌الدین اوزه‌گه: ۱۹۷۱)

اولیا چلبی تعداد آثار سروری را یکصد و پنجاه اثر مطرح می‌کند. (اولیا چلبی، همان‌جا) این عدد غیرواقعی یا بر اثر مبالغه همیشگی اولیا چلبی در گزارش‌های تاریخی اوست یا وی تسامحاً کتبی که در جوار مسجد و منزل سروری در کتابخانه شخصی او بوده را جزو آثار سروری پنداشته است. در برخی آثار دیگر هم ذکر شده که تعداد آثار روری معادل نصف سن تقویمی او یعنی ۳۶ اثر بوده است. (نوعی زاده عطایی، همان اثر، ۶۵). آثار سروری عبارت است از:

۱. احکام نجوم: سروری این اثر را به درخواست شهزاده مصطفی مبنی بر ترجمه و شرح آن به

انجام رسانیده است اما پس از قتل شهزاده، انقلاب روحی و ناراحتی قلبی سروری مانع از اتمام اثر به قلم وی شد و بعدها فرد دیگری کار سروری را به پایان برد. (کتابخانه نجیب شهر

تیره (ازمیر)، 467 np، 145a).

۲. بحرالمعارف: مشهورترین کتاب سروری است که بر خلاف دیگر آثار او که در یک یا چند کتابخانه محدود یافت می‌شود، در اکثر کتابخانه‌های آناتولی، چند دست‌نویس از آن وجود دارد. نسخه به خط مؤلف از این اثر با شماره ۱۶۳۸ در کتابخانه ملّت مانیسا موجود است. (عامل چلبی اوغلو، همان اثر، ۱۱۴) در منابع ادبی، حتی آن‌ها که از شروح و اشعار سروری خرده گرفته و بر آن انتقاداتی روا داشته‌اند درباره این اثر چنین نوشته شده است: «تألیفی سودمند و جامع درباره فنّ عروض و قافیه، صناعات ادبی و آرایه‌های سخن و اصطلاحات ادبی است.» به عبارتی باید گفت در زبان ترکی، کامل‌ترین اثر موجود ادبی، بحرالمعارف است؛ و با این بیان، از این کتاب ستایش شده است. (فائق رشاد، همان اثر، ۳۰) با این که خطاهای اندکی در متن دیده می‌شود اما به طور کلی از زمان تألیف این اثر تا کنون (نزدیک به ۵ قرن)، این کتاب با اقبال عمومی بسیار مواجه شده است. (یعقوب شفق: ۱۹۹۴ ۷/۵۲/۱۷) به‌رغم کاستی‌ها، این اثر موسوعه‌ای در علم بلاغت است که فواید زیادی برای خوانندگان آن در زبان ترکی در پی دارد. (محمت چاووش اوغلو، مقاله شعر دیوان، زبان ترکی، ویژه‌نامه ۲، نشریه شعر ترکی، شماره ۴۱۵ تا ۴۱۷، آنکارا، ۱۹۶۶، ص ۲) بحرالمعارف آینه تمام‌نمای علوم ادبی عصر سروری است و نشان می‌دهد که علما و فضیای آن دوران، به ادبیات چطور نگاه می‌کرده‌اند و چگونه به آن می‌پرداخته‌اند. (یعقوب شفق، همان مقاله)
۳. تاریخ ختا و ختن و چین و ماچین: به ترکی و نام دیگر آن قانون‌نامه است.
۴. ترجمه ذخیره الملوک: در سال ۹۰۶/۱۵۵۲ میلادی/ قمری، هنگامی که سروری در آماسیه استاد شهزاده بوده با درخواست او این ترجمه را در دو ماه به انجام رسانده است. (محمد طاهر بورسوی، همان اثر، ۲۲۶)
۵. ترجمه رساله بیخ^{۱۰} چینی: اصل این اثر در حوزه طب به زبان هندی و ترجمه فارسی آن توسط سروری به ترکی برگردانده شده است.
۶. ترجمه روض الریاحین فی حکایت الصالحین: این اثر ترجمه و شرح کتابی است آکنده از رموز تصوّف و اشارت ربّانی که حاوی پانصد حکایت از مناقب و محاسن نیکان است.
۷. ترجمه عجایب المخلوقات: وی این اثر را از زبان عربی برای شهزاده مصطفی به ترکی برگردانده است. در اثنای نگارش این اثر بود که خبر قتل شهزاده مصطفی او را پریشان ساخت و اثر را نیمه‌کاره رها کرد. (چاگاتای اولوچای، همان اثر، ج ۸، ص ۶۹۱)
۸. تفسیر سورة یوسف: به زبان عربی است.

۹. تفسیر القرآن العزیز: گویا نویسنده خود این اثر را تفسیر العظیمه نامیده است. نسخه‌ای از این اثر، در کتابخانه نورعثمانیه به شماره ۲۲۶/۳۱۷ (آرشیو میکروفیلم، ۴۱۷۳) موجود است که از حیث تذهیب و هنرهای کتاب آرایی و نفاست کاغذ و نقش‌های آن نمونه و شایان توجه است.
۱۰. حاشیه تفسیر بیضاوی (انوار التنزیل و اسرار التأویل): اثری است به زبان عربی که به شهزاده مصطفی پیشکش شده است.
۱۱. حاشیه تلویح تفتازانی: که به زبان عربی است. (محمد طاهر بورسوی، همان اثر، ۲۲۷)
۱۲. حاشیه شرح حسام القاطع علی ایساغوجی یا حواشی للشرح ایساغوجی^{۱۱} به زبان عربی در علم منطق است.
۱۳. حاشیه علی الضوء: اثری به زبان عربی در علم نحو برای تبیین مطالب کتاب المفتاح است.
۱۴. حاشیه الهدایه و العنايه: نام دیگر این اثر العنايه فی شرح کتاب الهدایه و به زبان عربی است.
۱۵. الحکایات الغریبه: این اثر در دل یک مجموعه از آثار سروری و به زبان عربی نوشته شده است. متن آن حاوی بیان داستان حضرت یوسف در قرآن کریم به صورت ۱۴۰ حکایت کوتاه است.
۱۶. دیوان اشعار ترکی: او در شعر ترکی، دفتر شعر کوچکی دارد که با قطعه‌ای پنج بیتی با ردیف دیر بانا آغاز می‌شود: تاج شاهی شوعله ی شمع الهی دیر بانا / شوعله ی شمع الهی تاج شاهی دیر بانا. اشعار دیوان او از مفاهیم صوفیانه تأثیر پذیرفته است.
۱۷. شرح امثله: وی این کتاب را به عنوان متنی کمک درسی و به منظور رفع مشکلات علمی آنان در فهم زبان عربی به زبان عربی نوشته است.
۱۸. شرح بخاری الی نصف: به عربی است و در منابع نوشته شده که وی نیمی از کتاب بخاری را شرح کرده است. (محمدطاهر بورسوی، همان اثر، ۲۲۷؛ نیز: محمت ثریا، همان جا)
۱۹. شرح بناء: کتابی است که در مدارس علمیه به عنوان یکی از منابع درسی تدریس می‌شده و زبان آن عربی است.
۲۰. شرح بوستان سعدی: شرحی است به زبان فارسی که سروری در زمان تصدی منصب تعلیم شهزاده پس از شرح گلستان به عربی، بوستان را به فارسی شرح و تقدیم شهزاده مصطفی کرده است. (سروری، سیرز، ۲۵۶۸، ab-2a)
۲۱. شرح دیوان حافظ: هدف سروری از نگارش این کتاب به زبان ترکی آن بود که ترکان را با صنایع ادبی و هنر بلاغی حافظ شیرازی و اعجاز بیان او آشنا کند. (سروری، یازماباغشیر، ۵۷۱، صص 1b-2a)

۲۲. شرح شبستان خیال: سروری منظومه شبستان خیال فتاح نیشابوری^{۱۲} را به خواست شهزاده مصطفی شرح کرد و دقایق نکات و ظرایف صنایع آن را شرح و تبیین کرد. (2a)
۲۳. شرح کافیه: کافیه، از مهمتر
۲۴. این کتب دستور زبان عربی است و به رغم ایجاز و مختصر بودن متن آن، همه مسائل ادبی زبان عربی را شامل شده و سروری آن را شرح کرده است.
۲۵. شرح گلستان: به زبان عربی است (سروری، سرز، ۲۵۶۸، 2a) و وی زمانی که در آماسیه استاد شهزاده مصطفی بود این کتاب را برای شهزاده تألیف می‌کند. (سروری، سلیمانیه، اسمیخان سلطان، ۳۲۴، 1b-2a)
۲۶. شرح مثنوی: نخستین شرح شناخته شده به زبان فارسی بر شش دفتر مثنوی در جهان است. هرچند جواهر الاسرار خوارزمی (ت ۸۳۹ ق) از نظر تاریخی نیم قرن بر این شرح پیشی دارد اما نه وسعت این شرح را دارد و نه به شرح دفاتر چهارم تا ششم مثنوی پرداخته است لذا این اثر که شرح کامل مثنوی به زبان فارسی و مفصل‌ترین کتاب اوست (حاضرلایان و همکاران: ۱۹۷۴، ۱۲۷)، سروری را در زمره شارحان بزرگ مثنوی معنوی قرار می‌دهد. سروری در شرح مثنوی خود جمعاً ۴۱۰ حکایت از صوفیان را آورده است. این شرح توسط نگارنده و همکاران، تحقیق، تصحیح و در دست چاپ قرار دارد.
۲۷. شرح المصباح فی النحو: سروری، این اثر را به سال ۹۴۴/۱۵۳۷ میلادی/ قمری در علم نحو به زبان عربی نوشته است.
۲۸. شرح معنیات اخلاطی: شرحی بر اثر سیدحسین اخلاطی در شرح معنیات (سهی، همان اثر، 46a) به زبان ترکی است.
۲۹. شرح معنیات جامی: شرحی بر اثر مولانا عبدالرحمن جامی در فن معنی است. سروری در این اثر خود ابداعات جدیدی داشته و از اسلوب سجع بهره برده است.
۳۰. شرح الموجز من الطب: دائرة المعارفی است از ابن سینا که در حوزه طب و در حدود یک میلیون کلمه است. حاوی مطالبی در خصوص طب قدیم (پیش از اسلام) و طب اسلامی. نام اصلی این کتاب، قانون است. (جوادیزگی: ۱۹۹۷، ۵۲-۴۴/۲).
۳۱. صنایع الشعریه: این اثر در واقع بخشی از کتاب بحر المعارف سروری و حاوی فهرست الفبایی صنایع ادبی و توضیحی پیرامون آنهاست.
۳۲. قصه قارون: این هم اثر مستقلی نیست و در ضمن شرح گلستان، تجلید شده است.

۳۳. قصیده: این قصیده‌ای است که در پایان کتاب بحر المعارف آورده شده و هر بیت آن مثالی برای یک صنعت ادبی است و ضمناً حاوی اصول نظم است و در انتهای کتاب بحر المعارف آورده شده است. (97a و 95b)

۳۴. کتاب الشَّهَادَة: اثری است در علم طبّ که نام کامل آن رساله فی الطَّب لمیرصالح.

۳۵. المفتاح فی شرح مراح الأرواح: شرحی است عربی بر اثر احمد بن علی بن مسعود حسام الدین نوشته شده است. شرح نیز به زبان عربی است و موضوع آن علم صرف است. وفات

سُروری در هفتم جمادی الاوّل ۹۶۹ قمری / ۱۵۶۱ میلادی در ۷۲ سالگی دچار بیماری وُبا شد و اندکی بعد، بر اثر این بیماری از دنیا رفت. (نبی زاده عطایی، همان اثر، ۲۴)

۱. بررسی شواهد برای تعیین دقیق زمان وفات سروری

ماده تاریخ وفات سروری این است: می‌رود به بهشت و گیتدی جهان سرورو (ریاضی، همان اثر، 141b - فائق رشاد، همان اثر، ۲۹) در سیاحت‌نامه اولیا چلبی، سال فوت او ۹۶۵ قمری ذکر شده (اولیا چلبی: ۱۳۱۴، ۱/۴۲۶) و در کتاب‌های مرآت استانبول، اسماء المؤلّفين و سجل عثمانی، ۹۶۲ قمری ذکر شده است. (اسماعیل پاشا بغدادی: ۱۹۵۵، همان اثر ۲/۴۳۴ - محمت ثریا، همان‌جا) اما از تاریخ‌هایی که در اکثر منابع آورده شده و بررسی آن‌ها ما را به قطعیت می‌رساند می‌توان چنین دریافت که وی در واقع در سال ۹۶۹ قمری فوت کرده است. (ابن لالی: ۱۹۷۵، ۳۴۵) پس از وفاتش برای تکفین و تجهیزش از پولی که خودش برای این منظور کنار گذاشته بود و مبلغ آن در گزارش‌ها دو هزار آقچه (پول نقره) آمده، برای کفن و دفن این زاهد دانشمند مصرف شد. (عاشق چلبی، همان اثر، 154a)

۲. محلّ دفن سروری

گزارش نخست بیان می‌کند، مدفن سروری بالای مولوی خانه واقع در محله قاسیم پاشا در کنار راهی که به اینالی چشمه می‌رسد در داخل باغچه حیاط مسجد جامع «تاش مناره‌لی» (منار سنگ) که این عالم فرزانه مؤسس آن بوده قابل مشاهده است. (امین، همان‌جا) گفته‌اند: وی در منطقه بی‌اوغلی شهر استانبول در مسجدی که خود آن را بنا نهاده بود (محمد طاهر بورسوی، همان اثر، ۲/۲۲۶) در محلّ حظیره (اتاقی که پشت محراب برای جلوس امام جماعت، بنا می‌کنند) محراب مسجد دفن شده است. (حافظ حسین ایوانسرای، همان اثر، ۲/۴) برخی برآنند که مسجد سروری که وی آن را بنا کرده و در دوران پس از او تا سال‌ها زیارتگاه وی بوده

(امین، همان‌جا)، امروزه دیگر نیست و از بین رفته است. (عمر فاروق آکون، همان‌جا) این گزارش البته درست نیست و مسجد مدفن سروری هم‌اکنون در محله قاسم پاشای استانبول و با نام «جامع سروری» دایر است. معلوم نیست چرا امور دیانت استانبول این مسجد را به اشتباه «جامع محبت سروری» نام گذاشته است؟ نگارنده، در طی سفرهای متعدد خود به استانبول و با جستجوی کوچه به کوچه این مسجد را با بررسی چندساله پیدا کرد و غبار از چهره آن مزار زدود. (تصویر)^۱



سردر مسجد و مدفن سروری - استانبول، محله قاسم پاشا (جامع محبت سروری)

نتیجه

فهم متون کهن ادبی، بایسته شناختی فراتر از مرزهای کنونی ایران و مستلزم رسمیت بخشیدن به سهم فارسی‌گویان غیرایرانی در ادبیات فارسی و پرداختن این سهم است. ایرانی‌سازی شخصیت‌های ادبی فارسی‌گوی غیر ایرانی از جمله مولانای روم، واقعیت‌های تاریخی و جغرافیایی را متزلزل نکرده، تنها رسیدن به حقیقت را در پژوهش‌های علمی دشوارتر می‌کند.

بررسی زندگی و آثار مصلح الدین مصطفی سروری که پرتألیف‌ترین نویسنده فارسی‌گوی آسیای صغیر است، رازگشای پرسش‌های بی‌پاسخ در فهم «عویصات مثنوی» است. سروری «سایه خورشید» است چراکه حیات او، هم از جهت شخصیت دینی (خطیب و واعظ) و ادبی (شاعر و نویسنده)، هم از حیث تعلقات عرفانی و تجربیات سلوکی (جبه‌دار و خلیفه طریقت نقشبندی و مولویه) و هم از جهت «فقدان حبیب» (شهزاده مصطفای شهید) شباهت‌های بسیار

^۱ در ترجمه منابع ترکی کلاسیک، خانم مروه کایا، دانش‌آموخته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران کمک‌های زیادی کردند؛ از ایشان سپاسگزاری می‌کنیم.

زیادی به مولانا جلال‌الدین رومی دارد. اشتراک جغرافیایی، فرهنگی و آیینی سروری با مولانا، او را بلد و راهنمای راه سلسله‌جبالِ مثنوی ساخته است. زندگی و آثار این دانشمند ذوفنون، زوایای بدیع و بکر تاریخی را از دل دربار پادشاهی عثمانی تا کافه‌های دریانوردان استانبول بر خواننده می‌گشاید و پاکدستی و دنیا‌گریزی این تاجرزادهٔ تُرک، بلندا و ارج معارف عرفانی را در برابر کم‌قدری و کوتاهی مطامع دنیوی در نگاه او، آشکار و زندگی سیاسی و تجارب قضایی این بزرگمرد زاهد جامعیت علمی و عملی رجال مسلمان را در عقبهٔ فرهنگی آناتولی، روشن و اندیشهٔ بزرگ ایشان را چراغ راهی برای جامعهٔ امروز آن دیار و ما می‌نماید.

پانوشتها

۱. یکی از نواحی شهر چاناک کاله واقع در جنوب منطقهٔ استانبول.
۲. کافیه، اثری مشهور در نحو عربی به قلم ابن حاجب کندی است.
۳. شهری در شمال شرقی کشور ترکیه. اکثر شاهزادگان عثمانی (محمد اول، مراد دوم، فاتح سلطان محمد، یاوز سلطان سلیم) در این شهر به دنیا آمده و در آن ولیعهد بوده‌اند.
۴. منطقه‌ای در جنوب شرقی کشور ترکیه کنونی و نزدیکی مرز ایران.
۵. در آخرین بیت این اثر آمده که سروری ترجمهٔ این کتاب را در سال ۹۰۶ قمری در طی دو ماه تمام کرده است. (نسخهٔ خطی کتابخانهٔ نورعثمانیه، شمارهٔ ۲۱۰۶)
۶. دختر سلطان سلیمان و خرم سلطان
۷. أحمد آتیلان تورک، هجویهٔ قانونی (سلطان سلیمان) یا مرثیهٔ شهزاده مصطفی تألیف یحیی بی، استانبول، ۱۹۹۸
۸. منطقه‌ای در شمال غربی ترکیهٔ قدیم در دریای اژه در جنوب کشور یونان کنونی با عنوان امروزی «پلوپون نسوس» که اکنون در خاک ترکیه نیست.
۹. برای اطلاعات بیشتر: جامی، درویش ستیهنده، محمدرضا شفیعی کدکنی، مقدمه اثر.
۱۰. اسماعیل گلیج در تحقیق خود اشتباهاً این نام را «پنج چینی» ذکر کرده که «بیخ چینی» یا «چوب چینی» صورت صحیح آن است.
۱۱. ایساغوجی برگرفته از کلمه یونانی eisagoge به معنای مدخل و مقدمه رساله است. اثر توسط فورفور یوس (Porphyry) (متوفای ۳۰۴ میلادی) به عنوان مقدمه بر باب مقولات (قاطیغوریاس) ارسطو نوشته شده و تفتازانی آن را در قرن هشتم از یونانی به عربی برگرداند.
۱۲. محمد بن یحیی فتاحی، سبک نیشابوری، از شاعران معروف قرن نهم هجری، وفات: ۸۵۳ هـ ق بود.

منابع

- ابن لالی (۱۹۷۵) *العقد المنظوم* (بذیل الشقائق النعمانیه)، دارالکتب العربی، بیروت.

- احمد آتیلا شن تورک (۱۹۹۸) **هجویه قانونی** (سلطان سلیمان) یا مرثیه شهزاده مصطفی تألیف یحیی بی، استانبول.
- اسماعیل گلیج (۱۹۹۷) **اصطلاحات ادبی در بحر المعارف**، تز فوق لیسانس (چاپ نشده)، به راهنمایی: آتیلا شن تورک، دانشگاه استانبول، انستیتوی علوم اجتماعی، استانبول.
- امین، مناقب کدخدازاده (۱۳۰۵) محمد عارف افندی، استانبول.
- اولیا چلبی (محمد ظلی بن درویش) (۱۳۱۴) **سیاحت نامه**، به اهتمام: احمد جودت، دَرَسَعَات مطبعه سی، چاپ اول، استانبول.
- ایسن، مصطفی، (۱۹۸۴) بخش تذکره کتاب **کنه الاخبار**، آنکارا.
- بغدادی (اسماعیل پاشا)، (۱۹۵۵) **هدیه العارفین اسماء المؤلفین و آثار المصنفین**، وكالة المعارف الجلیله، استانبول.
- **پژوهشهای عصر عثمانی** (The journal of ottman Studies)، شماره ۲۱، استانبول: ۲۰۰۱.
- پژوهشهای فرهنگی ترکی، سال ۳۲، شماره ۱ و ۲، آنکارا، ۱۹۸۴.
- جواد ایزگی، (۱۹۹۷) **علم در مدارس عثمانی**، استانبول.
- چاگاتای اولوچای، (۱۹۵۷) **سلطان مصطفی**، دارالمعارف اسلام، استانبول، وزارت علوم.
- حاجی خلیفه (مصطفی بن عبد الله کاتب چلبی القسطنطنینی - م. ۱۰۷۶ هـ)، (۱۹۴۱) **کشف الظنون عن أسامی الکتب و الفنون**، مکتبه المثنی، بغداد.
- حاضرلایان، محمت اوندرو، (۱۹۷۴) **عصمت بین ارک و نجات صفر جی اوغلو**، کتابشناسی مولانا، آنکارا.
- حافظ حسین ایوانسرایبی، (۱۲۸۱) **حدیقه الجوامع**، استانبول.
- حاله، عمر رضا، (۱۹۵۷) **معجم المؤلفین**، نشر دار احیاء التراث العربی بیروت.
- حسن انوشه و همکاران، (۱۳۸۳) **دانشنامه ادب فارسی**، تهران.
- حسن چلبی کناله زاده، (۱۹۷۸) **تذکره الشعراء**، به تحقیق: ابراهیم کوتلوک، آنکارا.
- حسین حسام الدین، (۱۹۲۷) **تاریخ آماسیه**، استانبول.
- ذکی عالیکان، (۱۹۹۰) **تاریخ عثمانی در سجلات شرعی** شماره یک مانيسا، استانبول.
- ریاضی افندی محمت (بیتا) **ریاض الشعراء**، کتابخانه دانشگاه استانبول، نسخه خطی. 4098.y
- زرکلی (خیر الدین)، (۱۹۸۹) **الاعلام**، دار العلم للملایین، بیروت.

- سروری، احکام نجوم، کتابخانه نجیب شهر تیره (ازمیر. np 467)
- سروری، شرح بوستان، کتابخانه سیرز، نسخه ۲۵۶۸.
- سروری، شرح دیوان حافظ، سلیمانیه یازما باغشیر، نسخه شماره ۵۷۱.
- سروری، شرح گلستان، سلیمانیه، سیرز، ۲۵۶۸ و اسمیخان سلطان: ۵ شوال ۹۸۵.
- سودی بوسنوی، (۱۲۸۸) شرح دیوان حافظ، استانبول.
- سودی بوسنوی، (۱۲۴۹) شرح گلستان، استانبول: ۱۲۴۹.
- سیه بیگ، (۱۹۷۸) تذکره هشت بهشت، به تحقیق: گونای کوت، دانشگاه هارواد.
- شمس الدین سامی فراشری، (۱۳۱۶-۱۳۰۶) قاموس العالم (۶ جلدی)، مهران مطبعه سی، استانبول.
- طاش کبری زاده (احمد بن مصطفی)، (الشقائق النعمانية، انتشارات ذرسعادت، استانبول.
- عابدیور، سعید، "مثنوی خوانی در بوسنی هرزگوین"، نشریه اطلاعات حکمت و معرفت: شهریور ۸۸ شماره ۴۲ صص ۴۲-۴۰.
- عاشق چلبی (محمد بن علی بن زین العابدین بن محمد الرضوی)، (۱۹۷۱) مشاعر الشعراء یا تذکره عاشق چلبی، به تحقیق: جی. ام. مردیت- او ونز، لندن.
- عامل چلبی اوغلو، (۱۹۹۴) ادبیات ترکی در دوره سلطان سلیمان قانونی، استانبول.
- فائق رشاد، (۱۳۱۲) اسلاف، عالم مطبعه سی، استانبول.
- فریدون امه جان، (۱۹۹۸) قضای مانیسا در قرن شانزدهم، آنکارا.
- کارل بروکلمان، (۱۹۴۹) تاریخ ادبیات عرب، لیدن.
- لطیفی قسطنونی، (۱۳۱۴) تذکره لطیفی، عالم مطبعه سی، استانبول.
- م. روحی یلماز، (۱۹۸۲) سه شرح بر مرثیه طاهر المولوی، نشریه دانشکده ادبیات استانبول، زبان و ادبیات ترکی، استانبول.
- م. سیف الدین اوزه گه، (۱۹۷۱) فهرست آثار ترکی که با حروف قدیمی چاپ شده است، استانبول.
- مایل هروی، نجیب، (۱۳۵۰) گزارشی از سیر تاریخی و شروح کهن مثنوی به زبان فارسی، نشریه آریانا، آکادمی علوم افغانستان، مرکز علوم اجتماعی (معاونت بخش علوم بشری)، شماره ۱۹۲ خرداد و تیر ۱۳۵۰، صفحات ۱۹ تا ۲۴.

- محمت چاووش اوغلو، (۱۹۶۶) شعر دیوانی، زبان ترکی، ویژه نامه ۲، نشریه شعر ترکی، شماره ۴۱۵ تا ۴۱۷، آنکارا.
- محمت چاووش اوغلو، (۱۹۷۸) نسائی (شاعره قرن شانزدهم میلادی ترک)، نشریه انستیتوی تاریخ، استانبول.
- محمت فؤاد کوپرولو (آردیناریوس)، (۱۹۸۶) تاریخ ادبیات ترک، چاپ چهارم: استانبول.
- محمد ایپشرلی، (بیتا) دستگاه فضایی عثمانی یا دیوان محاکمات (باب ماحکمه سی)، انتشارات TDV دائرة المعارف اسلام ترکیه.
- محمد ثریا، (۱۳۱۱) سجل عثمانی یاقوت (تذکره مشاهیر عثمانیه)، استانبول.
- محمد زکی پاک آین، (۱۹۴۶) فرهنگ اصطلاحات تاریخی عثمانی، استانبول.
- محمد طاهر بورسوی، تذکره بیانی (نسخه خطی مورخ ۱۳۳۳م) کتابخانه دانشگاه استانبول به شماره. TY2568
- محمد عارف، (۱۳۱۴) مرآت استانبول، بی ناشر.
- محمد علی عینی، (۱۹۹۳) أسوه‌های اخلاقی ترک، چاپ دوم، استانبول.
- محمدرضا شفیعی کدکنی، (۱۳۹۳) جامی درویش ستیهنده، انتشارات آگاه، تهران.
- محمدنژاد عالی‌زمینی، یوسف، (۱۳۹۶) تأملی در ویژگی‌های زبانی و املائی نسخه خطی نخستین شرح کامل مثنوی به زبان فارسی در آسیای صغیر، نشریه علمی - پژوهشی پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)، سال یازدهم، شماره دوم، پیاپی ۳۳، تابستان ۱۳۹۶.
- مرادی، ابوالفضل و یلماز، قدریه، تأثیر سعدی شیرازی بر ادبیات تعلیمی ترکیه، نشریه میراث شهاب: تابستان و پاییز ۱۳۹۱، شماره ۶۸ و ۶۹، صص ۱۶۸ - ۱۳۵.
- مصطفی کارا، (۱۹۹۴) امیر بوهاری نشر TD، دائرة المعارف اسلام، استانبول: ۱۹۹۴
- نجات گویونچ (۱۹۹۰) دفاتر محاسبه به مثابه تاریخ، نشریه پژوهش‌های عثمانی، استانبول.
- نوایی‌زاده عطایی، (۱۹۸۹) حدائق الحقائق فی تکمله الشقائق، انتشارات عبدالقادر اوزجان، استانبول.
- هالوک ایپکتان، (۱۹۹۶) محیط ادبی ادبیات دیوانی، استانبول.
- یعقوب شفق، (۱۹۹۴) شعر و شاعر از منظر بحر المعارف سروری، دوره نشریه یدی ایکلیم (هفت اقلیم)، ج ۷، شماره ۵۲، تموز.

- یعقوب شفق، (۱۹۹۱) بررسی تطبیقی بحر المعارف سروری و انیس العشاق، دانشگاه آتاتورک، انستیتوی علوم اجتماعی، تز دکتری (منتشر نشده)، ارزروم.

- منابع ترکی:

- AHMET FARUK ÇELİK, Sururi'nin Hafız Divanı serhinin incelenmesi, Selçuk Üniversitesi, Yüksek Lisans, 1996
- HÜSEYİN OKUR, Muslihiddin Mustafa b. Şaban Sürûrî'nin Şerhu'l-Misbâh adlı eserinin edisyon kritiği, Sakarya Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2011
- LATİFİ (2000). Latîfî Tezkiretü's-Şu'arâ ve Tabsıratü'n-Nuzamâ (İnceleme-Metin), Hazırlayan: Yrd. Doç. Dr. Rıdvan CANIM, Ankara: Atatürk Kültür Merkezi Başkanlığı Yayınları.
- NİYAZİ ÜNVER, Gelibolulu Sürûrî ve Divanı, Gazi Üniversitesi, Doktora, 2010
- ORHAN BAŞTÜRK, Süruri'nin mesnevi şerhi (tanıtım-indeks-tenkitli metin), Selçuk Üniversitesi, Yüksek Lisans, 1997
- ÖZLEM GÜZELLER, Süruri Divanı'ndaki manzum tarihler (sayfa 250-322), Dumlupınar Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2007
- RASHADAT HİDAYATOV, Gelibolulu Muslihiddin Mustafa b. Şaban Sürûrî'nin Şerhu'l-Binâ adlı eserinin tahkiki, Marmara Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2009
- ŞENAY USLU, Sürûrî-i Müverrih'in manzum tarihleri (inceleme-transkripsiyonlu

کتاب‌شناسی حیات و آثار مصلح‌الدین سروری در زبان ترکی استانبولی

- HÜSEYİN OKUR, Muslihiddin Mustafa b. Şaban Sürûrî'nin Şerhu'l-Misbâh adlı eserinin edisyon kritiği, Sakarya Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2011
- NİYAZİ ÜNVER, Gelibolulu Sürûrî ve Divanı, Gazi Üniversitesi, Doktora, 2010
- ORHAN BAŞTÜRK, Süruri'nin mesnevi şerhi (tanıtım-indeks-tenkitli metin), Selçuk Üniversitesi, Yüksek Lisans, 1997
- ÖZLEM GÜZELLER, Süruri Divanı'ndaki manzum tarihler (sayfa 250-322), Dumlupınar Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2007
- RASHADAT HİDAYATOV, Gelibolulu Muslihiddin Mustafa b. Şaban Sürûrî'nin Şerhu'l-Binâ adlı eserinin tahkiki, Marmara Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2009
- ŞENAY USLU, Sürûrî-i Müverrih'in manzum tarihleri (inceleme-transkripsiyonlu metin s.1-50), Dumlupınar Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2008

Abstract**Shadow of The Sun**

(The Study of the Interactions of Anatolian History and Culture with Persian Literature from the Perspective of the Study of Life and Works of Moslehuiddin Mustafa Sorouri)

Zohair Tayyeb *

Alimohammad Moazzeni **

Seyyyed Mohammad Mansour Tabātabāee***

There has been no comprehensive study of the life and circumstances of Moslehuiddin Sorouri in Persian before; While scholars are familiar with his description and conception about Hafiz and Sa'adi of Shiraz. An examination of the history and personality aspects of "non-Iranian Persian speakers" provides helpful information on different aspects of their culture and language and their scholars' interactions with Persian literature. Reviewing the life of Moslehuiddin Mustafa Bin Sha'ban Sorouri Glibouli, a Turkish Persian-speaker scholar, and the first recognized comprehensive reviewer of six volumes of Masnavi in the Persian language in the world, this article sheds lights on the history of Persian literature on the Anatolian Plateau (Turkey) during the reign of Sultan Süleyman Kanunî, the most important Ottoman king, and accordingly, presents new findings on the work and personality of Turkish Persian-speakers and provides an exquisite and unprecedented account of the famous historical story of Hurrem Sultan and Şehzade Mustafa. Finally, some sources in Istanbul Turkish are introduced that are largely out of the reach to Persian-speaking scholars, yet mastering them would enrich scholarly research.

Keywords: ... Moslehuiddin Sorouri, The first exponent of Masnavi of Mawlana, Ottoman Empire, Persian literature .

* Assistant Professor of Persian Language and Literature, University of Tehran. Iran.
Tayyeb@ut.ac.ir

** Professor of Persian Language and Literature, University of Tehran. Iran
moazzeni@ut.ac.ir

*** Associate Professor of Persian Language and Literature, University of Tehran. Iran.
mansoor@ut.ac.ir

